

جایگاه مفهومی «ایمان» در روانشناسی اجتماعی

محمد کاویانی

عضو پژوهشکده حوزه و دانشگاه

و هیچ عالمی، خالی از مبانی نظری و عقلی (خودآگاه یا ناخودآگاه) نبوده و نخواهد بود، لذا علم روانشناسی نیز در بعضی مباحث، مبتنی بر مبانی عقلانی یا وحیانی است. نهایت اشکال این است که این علم، دیگر تجربی محض نیست و این البته امری است پذیرفته. مطالعات تطبیقی بین دین و روانشناسی را به گونه‌های مختلفی می‌توان انجام داد.^۱ اکنون، فقط یک مثال را به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار می‌دهیم. در این مثال یک موضوع از روانشناسی اجتماعی (نگرش) را به طور تطبیقی در متون علمی و متون اسلامی، مورد بررسی قرار می‌دهیم. در این بررسی تطبیقی، مباحث نگرش، غنایی دو چندان، می‌یابد و بدون اینکه چیزی از آن کاسته شود، رنگ و بوی

گروهی را اعتقاد بر آن است که آنچه در دین می‌آید، امری است و آنچه در علم روانشناسی معاصر می‌آید امری دیگر و ما نباید این دو را با یکدیگر خلط و عجین کنیم. روانشناسی امروزی زبان و روش تجربی خاص خودش را دارد و علمی است شناخته شده و دین نیز زبان و روش عقلانی و وحیانی خاص خودش را، و این دو را عجین کردن نشاید.

گروهی دیگر معتقدند درست است یکی علم است و دیگری دین و هر کدام را روش و زبانی ویژه، لکن اولاً، در مقام عمل می‌بینیم که بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران روانشناسی، نتوانسته‌اند این دو را تفکیک کنند و بسیار به مباحث وحیانی و عقلانی وارد شده‌اند، و ثانیاً، در مقام نظر نیز ابتداء تجربه بر تعقل غیرقابل انکار است. هیچ علمی بدون ابتناء بر مبانی عقلی، ممکن نیست.

۱. ر. ک. کاویانی، محمد، «پیش‌طرحی برای تحقیق در باب روانشناسی اسلامی»، مجله معرفت، ص ۲۷.

فرهنگ خودی، گرفته و از بدآموزیهای احتمالی نیز به دور می‌ماند.

تعریف نگرش^۱: واژه «Attitude» معادل‌های فارسی متعددی همچون «طرز تلقی»، «وجه نظر»، «بازخورد»، «وضع روانی»، «ایستار»، «گرایش» و «نگرش» داشته است، ولی اکنون اصطلاح «نگرش» قبول عام یافته و به صورتهای مختلف نیز تعریف شده است. آلپورت^۲، گرچ^۳، کرفیلد^۴، جاکوبسون^۵، لمبرت^۶، سیرز^۷، رابرت^۸ و بسیاری از مؤلفین دیگر، تعاریفی ارائه کرده‌اند، از جمله تعاریف که جامع‌تر از بقیه است تعریفی است از لمبرت، «نگرش عبارت است از یک روش نسبتاً ثابت در فکر کردن، احساس کردن، و رفتار کردن نسبت به افراد، گروهها، و موضوعهای اجتماعی یا قدری وسیعتر، هرگونه حادثه‌ای در محیط فرد»^۹

مؤلفه‌های نگرش؛ مؤلفین در زمینه مؤلفه‌های نگرش نیز اتفاق نظر دارند و برای آن ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری در نظر می‌گیرند.^{۱۰} مؤلفه‌های عاطفی به هیجانهای منفی یا مثبت و مؤلفه‌های رفتاری به شیوه خاصی از واکنش فرد و مؤلفه شناختی به فکر و تفسیرهای خاص اشاره دارند.^{۱۱}

اکنون به شرح مؤلفه‌های نگرش در قالب یک مثال می‌پردازیم. مؤلفه شناختی «آب» دلالت بر عقایدی راجع به این موضوع عینی و حقیقی دارد. مثل اینکه آب دارای چه ترکیبی و چه خواصی است و مؤلفه عاطفی مبین احساسات فرد نسبت به این موضوع است مثل اینکه آب را دوست داریم. از نگاه به آن احساس لذت می‌کنیم و ... و مؤلفه رفتاری مثل اینکه با آرامش خاطر، آب را لمس می‌کنیم، آن را می‌نوشیم و ...

اهمیت مباحث نگرش؛ هر شاخه علمی با واحدهای تحقیق مانند کوانتم در فیزیک، عناصر در شیمی، سلولها در زیست‌شناسی، محرک عصبی در فیزیولوژی مغز و

اعصاب و ... سروکار دارد. روانشناسی عمومی واحدهای گوناگونی مثل احساس، تصویر ذهنی، تصور و ... را آزمایش و گاهی قطع امید کرده است. روانشناسی اجتماعی نیز واحدهای تحقیق متعددی را مانند غریزه، عادت، احساس، نگرش مورد بحث قرار داده و امروزه بر نگرش متمرکز شده است، چراکه این مفهوم وابسته به یک مکتب خاص فکری نیست، تحت تأثیر مناقشات پیرامون عوامل ارثی و محیطی قرار ندارد، نسبت خاصی با غریزه و عادت ندارد و بالاخره به اندازه کافی انعطاف‌پذیر است که می‌توان آن را در مورد افراد یا الگوهای گسترده فرهنگ به کار برد.

گرچه برخی نظریه‌پردازان میدانی، یادگیری، و پدیدارشناسان کوشیده‌اند تا اعتبار واقعی نگرش را کاهش دهند، ولی این انتقادات فقط باعث پالایش و فزونی کاربرد آن گردیده است. این مفهوم در کتابهای درسی روانشناسی از اهمیت زیادی برخوردار است و مؤلفان بسیاری مانند نیوکام^{۱۲}، ترنر^{۱۳}، کانورس^{۱۴}، کتز^{۱۵} و استاتلند^{۱۶} آن را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند.^{۱۷}

1. Attitude.

2. Allport.

3. Krech.

4. Grutchfield.

5. Jacobson.

6. Lambert.

7. Sears.

8. Robert.

9. *Social Psychology*, Lambert et al.

۱۰. تمام روانشناسان اجتماعی، الگوی ABC (Affective، Cognitive، Behaviore) نگرش را قبول دارند (رابرت ۱۹۸۸).

11. *Social Psychology*, Baron & byrne, 1997.

12. Newcomb.

13. Turner

14. Converse

15. Katz

16. Stotland

۱۷. ر.ک. آلپورت جونز، ترجمه منشی طوسی، محمدتقی، روانشناسی

افزون بر این از دیگر وجوه اهمیت نگرش این است که بر افکار اجتماعی مؤثر است. نحوه تفکر و پردازش اطلاعات را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عنوان روان بنه عمل می‌کند و به عبارت دیگر چهارچوبهای شناختی اطلاعات در مورد مفاهیم، موقعیت‌ها و حوادث را سازماندهی و نگهداری می‌کند و بالاخره بر فرآیند رفتار تأثیر می‌گذارد، مانند اینکه وقتی به یک نامزد انتخاباتی مجلس، نگرش مثبت داریم در انتخابات به او رأی می‌دهیم.^۱

ویژگیهای نگرش: ما در سطور زیر به اختصار به ویژگیهای نگرش اشاره می‌کنیم و در مباحث دیگر این نوشتار بیشتر با این ویژگیها آشنا خواهیم شد.

۱) سازه‌ای است فرضی، چرا که قابل مشاهده مستقیم و سنجش کمی نیست و برای کمی کردن آن لازم است به کمی کردن مؤلفه‌ها پردازیم.^۲

۲) اکتسابی است و به تدریج تکون می‌یابد؛ زیرا تجربه و آموزش در آن مؤثر است.

۳) نسبتاً پایدار است، چرا که یک نظام است و از ابعاد مختلف و هماهنگ برخوردار است و تغییر آن آسان نیست.

۴) فردی یا گروهی است؛ زیرا در بسیاری از مواقع نگرش ماناشی از موقعیتهای گروهی است.

۵) دارای مؤلفه‌های شناختی، عاطفی، رفتاری است. به طوری که هر یک از مؤلفه‌ها می‌تواند به صورت هشیار یا ناهشیار باشد.

رفتار

عاطفه

شناخت

نخست فریاد ناهشیاری عاطفی را مطرح کرد و سپس پیازه بر ناهشیاری شناختی تأکید کرد و آن را از مسلمات

روانشناسی قلمداد نمود. بدین ترتیب پذیرش رفتارهای ناهشیار نیز آسان شد و مورد تأیید روانشناسان قرار گرفت و امروزه قادریم رفتارهایی همچون مکانیزم‌های دفاعی، لغزشهای زبان، خوابگردیها، رؤیاهای روزانه، خود تکلمی‌ها و امثال اینها را تبیین کنیم.

۶) از ویژگی اصلی و فرعی برخوردارند، مانند اینکه نگرش ما نسبت به شغل، زندگی خانوادگی و مسائل اعتقادی خود (نگرش اصلی) عمیق‌تر از نگرش ما نسبت به پایه تحصیلی فرزند همسایه ما (نگرش فرعی) می‌باشد.

۷) مؤلفه‌های هر نگرش اعم از اصلی و فرعی، با یکدیگر تعامل دارند: «هیچ رفتاری نیست که هر قدر هم عقلی باشد، واجد عوامل عاطفی به عنوان محرک نباشد و نیز بالعکس نمی‌توان شاهد حالات عاطفی بود مگر اینکه ادراک یا فهم که ساخت شناختی آن حالات را تشکیل می‌دهد در آنها مداخله دارد».^۳

رفتار

عاطفه

شناخت

۸) مؤلفه‌های هر نگرش با یکدیگر تناسب سطح دارند: معمولاً وقتی بعد شناختی یک نگرش، عمیق و ریشه‌دار و وابسته به ارزشهای مهم ما باشد، به همان نسبت بعد عاطفی اش هم محکم و ریشه‌دار و به تبع آن آمادگی

۱. اجتماعی از آغاز تاکنون، صص ۱۲۴ - ۱۰۹.

1. e.g Baron & Byrne; 1997; *Social psychology* p.112.

۲. ابعاد عاطفی و شناختی و آمادگی روانی، براساس مفاهیم فلسفی، در مقوله عرضی «کیف نفسانی» جای می‌گیرند. «کیف نفسانی عرضی است مجرد که تنها عارض جواهر نفسانی می‌شود؛ فلاسفه، علم، قدرت، اراده، کراهت، لذت و اله، حالات انفعالی و عادات و ملکات را از جمله کیفیات نفسانی به شمار آورده‌اند». (مصباح، محمدتقی، ۱۳۶۴). در اینجا منظور از «سازه فرضی» این است که «نگرش» وجودی و رای وجود مؤلفه‌هایش ندارد، بلکه برای پنداری از وجود آنهاست، اما به هر حال کیف نفسانی است، نه اینکه هیچ بهره‌ای از وجود نداشته باشد.

۳. دادستان، منصور، دیدگاه پیازه، ص ۳۹، چاپ ۱۳۷۴.

روانی ما برای رفتار مناسب نیز بیشتر است و برعکس وقتی بعد شناختی‌اش براساس شایعه شکل گرفته باشد، بعد عاطفی و انگیزشی و به تبع آن آمادگی روانی ما برای رفتار نیز خیلی سست و احتمالی خواهد بود.

۹) نگرش‌های اصلی در زندگی افراد نقش بسیار برجسته دارند و از طریق مشاهده رفتار و تحلیل افکار به راحتی قابل تشخیص می‌باشند، ما طی یک سفر چند ساعته ممکن است از نگرش‌های اصلی هم سفرمان اطلاعات زیادی بدست بیاوریم در حالی که حتی پس از یکسال زندگی کردن با دوستان، ممکن است نگرش او را نسبت به پایه تحصیلی فرزند همسایه‌اش مطلع نشویم. لازم به یادآوری است که نگرش‌های اصلی زندگی ما پر رنگ و نگرش‌های فرعی کم‌رنگ هستند. نگرش‌های فرعی ممکن است آنقدر کم‌رنگ باشند که مورد توجه خود ما هم قرار نگیرند و حتی نسبت به آنها نااهشیار باشیم.

۱۰) نگرش‌های اصلی بر نگرش‌های فرعی تأثیر مستقیم دارند: بیشتر درونی شده‌اند، کمتر به موقعیتها و شرایط خارجی وابسته‌اند، اما نگرش‌های فرعی هر قدر فرعی‌تر باشند وابستگی بیشتری با شرایط محیطی دارند. به طور مثال، ایمان به خدا اصلی‌ترین نگرش یک مؤمن است. عدالت‌خواهی و انسان دوستی قدری فرعی‌تر و نگرش فرد نسبت به شغل و زندگی خانوادگی باز هم فرعی‌تر و بالاخره نگرش نسبت به رنگ اتومبیل خیلی فرعی‌تر است. بنابراین، ایمان به خدا بر عدالت‌خواهی و عدالت‌خواهی بر زندگی خانوادگی و زندگی خانوادگی بر انتخاب محل زندگی ... و در نهایت بر رنگ انتخابی برای اتومبیل نیز مؤثر واقع می‌شود. البته، هر قدر فاصله نگرش‌های فرعی از نگرش‌های اصلی بیشتر باشد تأثیرپذیری آن کمتر خواهد بود. توجه به این نکته ضروری است که ممکن است یک نگرش برای فردی فرعی و برای فرد دیگر اصلی باشد.

ایمان یک نگرش اصلی: براساس آنچه در تعریف نگرش گذشت، (روش نسبتاً ثابت در فکر کردن، احساس کردن، و رفتار کردن نسبت به افراد، گروهها، و موضوعهای اجتماعی یا هر حادثه‌ای در محیط فرد) در فرهنگ دینی و در محضر معارف قرآن نیز نگرش‌های متعددی می‌یابیم که بعضی بسیار اصلی و بعضی بسیار فرعی و بعضی در حد فاصل بین آنها قرار می‌گیرند. بعضی از اصلی‌ترین نگرش‌ها عبارتند از: نگرش مؤمنانه و منافقانه و کافران. اکنون از باب نمونه، نگرش مؤمنانه را با قدری تفصیل بررسی کنیم.

مؤلفه‌های نگرش ایمانی: بدون اینکه بخواهیم تعریف جامعی از ایمان ارائه کنیم، بعضی ویژگیهای آن را از لسان آیات و روایات بیان و آنها را با ویژگیهای نگرش، مقایسه و در نهایت پذیرش یا عدم پذیرش ایمان به عنوان یک نگرش اصلی، را به داوری می‌نشینیم.

ایمان حالتی است روانی^۱ که حقیقتی بسیط^۲ دارد، و در هر انسانی ممکن است ایجاد شود، ولی از حیث تحلیل عقلی، دارای سه مؤلفه عقیده و شناخت، علقه قلبی و عاطفی و رفتار جوارحی است.^۳ آیات و روایات متعددی نیز مؤید این سه مؤلفه است.

یکی از مؤلفه‌ها، آمادگی برای عمل به مقتضای آن حالت روانی است. اصولاً بسیاری از وظایفی که خداوند بر افراد مؤمن مقرر می‌فرماید وظایفی رفتاری هستند. به طور مثال، استعانت جستن از نماز و صبر،^۴ خوردن از

۱. همان‌طور که در بحث نگرش نیز گفته شد، مؤلفه‌های ایمان، کیف نفسانی‌اند و خود ایمان نیز برآیندی از آنهاست.

۲. ر.ک. حکیمی، الحیاء، ج ۱، ص ۲۰۶

۳. تحلیل عقلی نیز به اینجا منتهی می‌شود که ما در ابتدا نسبت به موضوعی، شناخت (هر چند اجمالی) پیدا می‌کنیم و سپس نسبت به آنچه شناخته‌ایم جهت‌گیری عاطفی و انگیزشی اتخاذ می‌کنیم و در نهایت براساس آن شناخت و آن انگیزش، کیفیت رفتار خود را تعیین می‌نماییم.

۴. استعینوا بالصبر والصلوة (بقره ۴۵)

روزهای طیب و پاکیزه،^۱ انفاق از ارزاقی که خداوند در اختیار قرار داده است،^۲ عدم ابطال صدقات از طریق منت‌گذاری و اذیت،^۳ آمادگی دفاعی و کوچ کردن به صوت گروه‌های کوچک و بزرگ،^۴ قیام به قسط،^۵ و ... حتی وقتی از امام صادق (ع) سؤال می‌شود ایمان قول است یا عمل؟ می‌فرمایند ایمان همه‌اش عمل است و قول هم نوعی عمل است ...^۶ از حضرت امیر (ع) می‌پرسند: آیا کسی که به لااله الا الله و محمد رسول الله شهادت بدهد مؤمن است؟ حضرت می‌فرمایند: «در این صورت واجبات الهی چه جایگاهی دارند؟ اگر ایمان فقط کلام بود، صوم و صلاة و حلال و حرام در آن نازل نمی‌شد ...»^۷ قرآن نیز تصریح می‌کند که آیا افراد گمان می‌کنند که به زبان ادعای ایمان می‌کنند و مورد امتحان واقع نمی‌شوند.^۸

ممکن است چنین به نظر برسد که عمل اثر و نتیجه ایمان است، ولی با توجه به مجموع آیات و روایات مرتبط با بحث، به نظر می‌رسد عمل به مقتضای اعتقادات جزء ایمان است و ذکر آن پس از ایمان در بعضی آیات شریفه، شاید به خاطر تأکید یا پاسخ به اشکالات احتمالی باشد، چون بعضی خیال می‌کرده‌اند می‌شود خدا را فریب داد و بدون عمل، ادعای ایمان کرد.

دو مؤلفه شناختی و عاطفی ایمان نیز به راحتی از بعضی آیات و روایات قابل استفاده است. برای صدور یک رفتار، دانش تنها کافی نیست، بلکه انگیزش نیز لازم است. قرآن مواردی را مثال می‌زند که دانش دارند، اما براساس دانش خود عمل نمی‌کنند.^۹ عده‌ای نزد پیامبر ادعای ایمان کردند، وحی آمد که به اینها بگو شما ایمان نیاورده‌اید، بلکه بگویید اسلام آورده‌ایم و هنوز ایمان در قلبهایتان وارد نشده است.^{۱۰} از این آیات و امثال اینها استفاده می‌شود که اقرار به زبان و حتی عمل تنها، کافی نیست. بعضی روایات نیز با بیانه‌های مختلف، علاوه بر مؤلفه رفتاری به پیوند قلبی (شناخت و عاطفه) نیز تصریح کرده‌اند. پیامبر (ص) به حضرت علی (ع) فرمودند:

«بنویس، پرسیدند: چه بنویسم، فرمودند: بنویس ایمان چیزی است که در قلب راسخ شده است و اعمال نیز آن را تصدیق می‌کنند»^{۱۱} و نیز فرمودند: «ایمان عبارت است از معرفت قلبی و گفتار زبانی و عمل به اعضا است»^{۱۲} «ایمان یک هر می است که قاعده‌اش را عقیده قلبی تشکیل می‌دهد و اضلاعش را اعمالی که بر آن قاعده استوار شده‌اند. عقیده قلبی در اینجا مجموع عاطفه و عقل است، لذا انسان به واسطه عقل و عاطفه‌اش، یعنی با [جمع جبری] همه وجودش به سوی یک رفتار سوق پیدا می‌کند ...»^{۱۳} گاهی از یک آیه هرساله مؤلفه استشمام می‌شود. به طور مثال، می‌فرماید: «نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب بگردانید، بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان

۱. کلاوا من طیبات ما رزقناکم (طه ۸۱)

۲. انفقوا مما رزقناکم (بقره ۲۵۴)

۳. لاتبتلوا صدقاتکم بالمن والاذی (بقره ۲۶۴)

۴. خذوا حذرکم فانفروا ثبات او انفروا جمیعاً (نساء ۷۱)

۵. کونوا قوامین بالقسط (نساء ۱۳۵)

۶. کافی، ج ۲

۷. بحارالانوار، ج ۶۹ ص ۱۹، روایت ۲

۸. احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا وهم لا یفتنون.

۹. عده‌ای از بنی اسرائیل بعد از اینکه معجزات متعدد از ایشان دیده بودند، باز از روی برتری طلبی و عناد، رسالت ایشان را انکار و نسبت سحر به ایشان می‌دادند و این در حالی بود که در نفس خود به رسالت او یقین داشتند ... جحدوا بها و استیقنتها انفسهم ظلماً و علواً (نمل ۱۴).

۱۰. و قالت الاعراب آمنا، قل لم تؤمنوا ولكن قولوا اسلمنا ولما یدخل الایمان فی قلوبکم (حجرات ۱۴)

۱۱. بحارالانوار، ج ۵۰ ص ۲۰۸

۱۲. معانی الاخبار، ص ۱۸۰، به نقل از میزان الحکمه

۱۳. حکیمی، الحیة، ج ۱، ص ۲۰۶. این مؤلف در جای دیگر نیز در باب حقیقت ایمان و مؤلفه‌هایش می‌فرماید «ایمان عقیده‌ای است راسخ در نفس و مرتکز در قلب و دارای دو رکن است. یکی رکن باطنی قلبی و دیگر رکن ظاهری خارجی، عقیده در قلب است و عمل مترتب بر آن، خارجی است. البته تجزیه ایمان به دو رکن خالی از مسامحه نیست، چون اگرچه دارای دو جزء ذهنی و عینی است، ولی حقیقتی واحد و ماهیتی بسیط دارد که عبارت است از عقد قلبی صادق راسخ که قابل تفکیک از عمل نیست و قلب هم شامل عاطفه و عقل هر دو می‌شود...» الحیة ج ۱، ص ۲۴۷.

و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورد و به پاس دوستی خداوند (طبق یک احتمال^۱) مالش را به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان و مسکینان بپردازد.^۲ چنین فردی، حتماً شناختی (هرچند اجمالی) از خدا و روز بازپسین و ... دارد، حالت عاطفه دوستی نسبت به خداوند نیز دارد و به پاس آن دوستی، رفتار انفاق را از خود بروز می‌دهد. در روایتی دیگر روی بعد عاطفی تأکید بسیار شده و ایمان را عین حب و بغض می‌دانند.^۳

ویژگیهای نگرش ایمانی: سه مؤلفه اساسی ایمان را از میان آیات و روایات بیان کردیم. گاهی به یک یا دو و گاهی نیز به هر سه اشاره شده بود. اکنون به بعضی ویژگیهای دیگر ایمان می‌پردازیم.

ایمان حالتی اکتسابی و تدریجی و قابل شدت و ضعف است. این ویژگیها را از آیات زیر درمی‌یابیم، در قرآن گاهی تصریح می‌شود: «اگر خدا می‌خواست همه ایمان می‌آوردند»^۴ و گاهی: «سرزنش می‌کند که چرا ایمان نیاوردید؟»^۵ و گاهی امر می‌کند که ایمان بیاورید^۶ و گاهی استفهام می‌کند که آیا ایمان نیاورده‌ای؟^۷ و در واقع همه انسانها در یک پیوستار وسیعی جای می‌گیرند که یک سر آن کفر محض و سر دیگر آن ایمان محض است و بین این دو، مراتب و درجات فراوانی است. قرآن در مورد بعضی افراد می‌فرماید: «آنها اکنون به کفر نزدیک‌ترند تا به ایمان»^۸.

بعضی از ویژگیها نیز از خلال مباحث گذشته به دست می‌آید. از جمله اینکه حالتی است روانی، حقیقتی بسیط دارد و تفکیک مؤلفه‌ها از باب مسامحه است، قابل ازدیاد و استکمال است. قابل سنجش و امتحان است (علاوه بر ابراز زبانی باید در رفتار هم تجلی یابد. شرایط و موانعی بر آن متصور است. موضوعات و متعلقات آن، موضوعات دینی^۹ است. آثار شگرف دنیوی و اخروی بر آن مترتب است.

عوامل تکوین نگرش

این عوامل را در یک تقسیم‌بندی کلی می‌شود به دو قسم شناختی و انگیزشی تقسیم کرد.^{۱۰} عواملی مثل شرطی‌سازی کلاسیک، شرطی‌سازی کنشی، مشاهده و تقلید، مقایسه‌های اجتماعی. از نوع شناختی و عواملی مانند؛ نیازها، فرهنگ، تعلق گروهی، شخصیت فرد، ... از نوع انگیزشی هستند. از باب نمونه، به بعضی از آنها اشاره‌ای می‌کنیم.

شرطی‌سازی کلاسیک: نتایج مطالعات نشان می‌دهند که شرطی‌سازی کلاسیک اغلب به صورت ناهشیار و حتی زمانی که فرد از محرک بی‌اطلاع است صورت می‌پذیرد. کروسنیک^{۱۱} (۱۹۹۲) در یک پژوهش، تعدادی دانشجویان را به دو گروه تقسیم کرد و به هر دو گروه، تصاویری از رفتارهای یک فرد در زندگی روزانه و معمولی را نشان داد. این رفتارها هیچ‌گونه بار عاطفی مثبت یا منفی

۱. احتمال دیگر این است که علی‌رغم علاقه‌ای که به مال دارد آن را انفاق می‌کند.

۲. ...ولکن البر من آمن بالله والیوم الآخر والملائکة والکتاب والتبیین وآتی المال علی حبه ذوی القربی والیتامی (بقره ۱۷۷).

۳. هل الايمان الا الحب والبغض.

۴. ...ولو شاء ربک لامن من فی الارض جمیعاً... (یونس ۹۹)، فمن شاء فلیؤمن ومن شاء فلیکفر (کهف ۲۹).

۵. ...ومالکم لاتؤمنون بالله والرسول... (حدید ۸)، فما لهم لا يؤمنون... (انشقاق ۳۰).

۶. یا ایها الذین آمنوا، آمنوا... (نساء ۱۳۶).

۷. قال اولم تؤمن؟ (بقره ۲۶۰).

۸. هم للکفر یومئذ اقرب منهم للایمان... (آل عمران ۱۶۷).

۹. در غیر موضوعات دینی، اصطلاحاً ایمان گفته نمی‌شود. مثلاً نمی‌گوییم ایمان دارم که در هوای سرد باید لباس گرم بپوشیم.

۱۰. در اینجا، عوامل شناختی و انگیزشی، اعم است از عواملی که به طور مستقیم، شناختی یا انگیزشی هستند و عواملی که به طور غیرمستقیم، شناختی و انگیزشی‌های فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ بر این اساس، به طور مثال، شخصیت نیز از عوامل انگیزشی محسوب می‌شود.

11. Krosnick, et al.

نداشتند، اما در نمایش مرحله بعد به گروه اول، آنها را با تصاویر عاطفی مثبت دیگری مانند تصاویری از یک جشن ازدواج، یا یک صحنه بازی دوستانه و همراه با خنده ارائه داد و به گروه دوم، آنها را همراه با تصاویر عاطفی منفی مانند یک صحنه عمل جراحی، یا یک صحنه پرخاشگرانه همراه با کتک کاری نشان داد. آنگاه نگرش هر دو گروه را نسبت به عکس‌های خشنی جويا گردید، نتایج آزمایش وی بیانگر آن است که هر دو گروه تحت تأثیر تصاویر ضمنی قرار گرفته و همان بار عاطفی را به این تصاویر نسبت دادند.

در مثال دیگری می‌بینیم کودکی که به طور مکرر با مادرش بیرون می‌رود و اخم و دیگر علائم مخالفت مادر را به هنگام برخورد با یک گروه نژادی خاص، مشاهده می‌کند، اگرچه در ابتدا نسبت به صفات قابل مشاهده آن گروه نژادی مثل رنگ پوست، نوع لباس، لهجه، و ... خشنی است، ولی عواطف او با عکس‌العملهای عاطفی منفی مادر پیوند می‌خورد و نسبت به آن گروه شرطی می‌شود و با دیدن آنها به صورت ناهشیار به یاد اخم مادر می‌افتد و به تدریج نگرش منفی نسبت به آنها پیدا می‌کند (نقل از بارون و بایرن، ۱۹۹۷). بنابراین، نگرشهای ما تحت تأثیر شرطی سازی ناهشیار قرار دارد و در نتیجه این ساز و کار می‌تواند در تمام رفتارهای معمولی و روزانه ما مؤثر واقع شود و نگرشهای ما را شکل دهد.

شرطی سازی کنشی: ممکن است کودک ۳-۴ ساله‌ای را دیده باشیم که با بیانی محکم از یک حزب سیاسی یا یک نامزد ریاست جمهوری دفاع می‌کند و به حزب یا نامزد دیگری بد می‌گوید، یا فرد خردسالی را که به طور قاطع می‌گوید: پیکان بهتر از رنو است. در این صورت تصدیق خواهیم کرد که او از روی بینش اینگونه سخن نمی‌گوید، بلکه از والدین و بزرگترهای خود جملاتی را شنیده است و شاید به طور اتفاقی بیان کرده با تأیید و تشویق آنها تقویت شده است و اکنون به طور محکم اظهار نظر

می‌کند. این ساز و کار در کودکان نقش و تأثیر بیشتری دارد چون با تنبیه و تشویق مرتبط است و گستره تنبیه و تشویق در کودکان بیشتر از بزرگسالان است، ولی بزرگسالان نیز در بسیاری از نگرشهایشان تحت تأثیر همین ساز و کار هستند، اما تشخیص آن قدری مشکل تر است؛ مثلاً زن خانه‌داری که فرزند جوانش در دانشگاه به تحصیل رشته الکترونیک مشغول است، ممکن است اظهار نظر کند که رشته الکترونیک از رشته الکترونیک بهتر است، در حالی که هیچ کدام رانمی‌شناسد.

مشاهده و تقلید: ساز و کار شناختی دیگری که بر شکل نگرش‌های افراد مؤثر است، مشاهده و تقلید یا الگوبرداری است. والدین رفتاری را انجام می‌دهند. فرزندان خود را بر انجام آن تشویق نمی‌کنند، و حتی گاهی از آن رفتار منع می‌کنند، ولی کودک آن رفتار را انجام می‌دهد. مانند پدری که سیگار می‌کشد و فرزند خود را از این کار باز می‌دارد، ولی آن کودک منع پدر را به هیچ می‌انگارد و نسبت به سیگار کشیدن نگرش منفی پیدانمی‌کند، بلکه گاهی ممکن است نگرش مثبت هم پیدا کرده و سیگار بکشد. این ساز و کار اختصاص به کودکان ندارد و کم و بیش در بزرگسالان نیز مشاهده می‌شود.

تکوین نگرش در فرهنگ اسلامی: از فرهنگ دینی انتظار نداریم که بحثها و اصطلاحات فنی روانشناسی اجتماعی را در خود داشته باشد، ولی بسیاری از مفاهیم عمده و کلی را می‌توان در آن یافت. این فرهنگ برای تکوین یافتن نگرش ایمانی در افراد، از همه امکانات استفاده می‌کند. در هر زمان به تناسب موقعیت، از روشی سود می‌جوید، در دوران کودکی که هنوز قوه استدلال و تفکر شکل نگرفته، شیوه‌های تقلید و تلقین را به کار می‌گیرد. شرطی سازی‌های کلاسیک و کنشی را در قالب همراه سازی افراد با موقعیت‌های مناسب و تنبیه و پاداشها ایجاد می‌کند. دوران کودکی را مهمترین دوران برای

ایجاد نگرش ایمانی و تعلیم و تربیت کودک تلقی می‌کند.^۱ والدین را در این جهت تشویق می‌کند، به طور مثال، والدین را به خواندن دعا و قرآن در دوران جنینی و گفتن اذان و اقامه در گوش او به هنگام تولد^۲ و الگوی رفتاری بودن برای کودک در طول زندگی توصیه می‌کند. بزرگسالان را نیز در موقعیتهای خاص در معرض تلقینها در باب نگرش‌های ایمانی قرار می‌دهد، مثل زمان وارد شدن هیجانانگیز شدید مثبت و منفی همچون شادیهای ناگهانی، غم و غصه‌های غیرمنتظره، تصادف و آتش سوزی، و ... در این اوقات تلقین‌پذیری افراد زیادتر است. در سوگواری فرد را با یاد خدا تسلیت می‌دهند.^۳ در هنگام بیماری بر عیادت او تأکید می‌شود. بیماری مؤمن به عنوان کفاره‌های گناهان محسوب می‌شود. در موقعیتهای مشابهی مثل ترس، زلزله، سیل و طوفان و هیجانانگیز مثبت مثل ازدواج، تولد فرزند، خرید خانه، زیارت بیت‌الله و موقعیتهای بزرگ زندگی، همه پر است از تلقیناتی که نگرش ایمانی را ایجاد یا تشدید می‌کنند.

موقعیتهای عادی زندگی نیز سرتاسر پر است از اینگونه تلقینات مثل نمازهای یومیه (واجب و مستحب)، مقدمات و مؤخرات آنها، روزه‌های واجب و مستحب، دعاهای ویژه بعضی موقعیتهای با مضامین بلند، مراسم خاص مذهبی در اعیاد و وفیات مذهبی و آداب خوابیدن و بیدار شدن و غذا خوردن و حسابرسی‌های فردی در هنگام خوابیدن.^۴

تفکر و استدلال نیز روش دیگری است که مورد توجه بوده از طریق تکوین یا تغییر یا تشدید یا تضعیف نگرش، بر رفتار اثر می‌گذارد. تمام آیات و روایاتی که به تفکر امر و تشویق می‌کنند شاهدهی بر این مدعی هستند.^۵ حضرت ابراهیم (ع) از شیوه تفکر و استدلال بسیار سود جسته است. چون شب بر او پرده افکند ستاره‌ای را دید، گفت: این پروردگار من است و چون غروب کرد گفت غروب کنندگان را دوست ندارم و چون ماه را در حال طلوع دید گفت: این پروردگار من است و چون ناپدید

شد گفت: اگر پروردگار مرا هدایت نکرده بود قطعاً از گمراهان بودم، پس چون خورشید را برآمده دید گفت: این پروردگار من است این بزرگتر است و چون افول کرد گفت: ای قوم من از آنچه شما شریک خدایم سازید بیزارم.^۶

آثار مشاهده و تقلید در تکوین نگرش‌های بزرگسالان نیز مورد توجه بوده است. در موارد متعددی کافران و مشرکان، نگرش‌های خود را به طور تقلیدی از پدران و اجداد خود اخذ کرده‌اند.^۷ در مواردی نیز از این نگرش‌های تقلیدی نهی شده، به طور مثال، می‌فرماید: «آیا اگر مطلبی هدایت‌کننده‌تر از آنچه پدران را بر آن یافتید برایتان بیاورم باز هم پیرو آنها باشید؟»^۸ نیازمندی افراد نیز در تکوین نگرش مؤثر است. برادران حضرت یوسف (ع) از روی احساس نیازی که به ملاطفت پدر در جهت اغراض خود داشتند بر این نگرش

۱. العلم فی الصغر کالنقش فی الحجر... بادروا بالاحداث قبل ان یسبقکم غیرکم (نهج البلاغه).

۲. قال رسول‌الله (ص): من ولدله مولود فلیؤذن فی اذنه الیمنی باذان الصلاة والیقیم فی الیسری، فانها عصمة من الشیطان الرجیم، (محجة البیضاء، ج ۳، ص ۱۲۰).

۳. عن الصادق (ع): ولد یقدمه الرجل، افضل من سبعین ولداً یخلفهم بعده کلهم قد رکبو الخیل و جاهدوا فی سبیل الله، (محجة البیضاء، ج ۷، ص ۲۸۷).

۴. اگر گفته می‌شود بعضی رفتارها مثل نماز و روزه و ... تأثیر تلقینی دارند، قطعاً به این معنی نیست که فایده آنها منحصر در تلقین است؛ بلکه علاوه بر شیوه‌های اثرگذاری متعددی که در آنها وجود دارد از طریق تلقین هم مؤثر واقع می‌شوند. به طور مثال، در بسیاری از این موارد به ما توجه شناختی می‌دهند که مبادا شادیها و اضطرابها، ما را از حالت تعادل خارج کند و خود را فراموش کنیم و یادآوری می‌کند که باید از نعمتهای خوب استفاده کنیم و سرکش نشویم، مصیبت‌ها و مشکلات که زمینه ساز تکامل است، مقاومت ما را نشکنند و در نهایت موجب غفلت ما از خود و خدا نشود.

۵. ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون (یونس ۲۴) (رعد ۳) (نحل ۱۱ و ۶۹)

۶. فلما جن علیه اللیل رءا کوكباً قال هذا ربی... (انعام ۷۸ - ۷۶)

۷. قالوا بل نتبع ما وجدنا علیه آباءنا... (لقمان ۲۱)، (انبیاء ۵۳)، (شعراء ۷۴)، (زخرف ۲۳ و ۲۲)

۸. ... اولو جئکم باهدی مما وجدتم علیه آباءکم... (زخرف ۲۴)

شدند که باید یوسف را از پدر دور کنند، گفتند یوسف و برادرش بنیامین نزد پدرمان از ما که جمعی نیرومند هستیم دوست داشتنی ترند، قطعاً پدرمان در گمراهی آشکاری است. یکی گفت: یوسف را بکشید یا او را به سرزمینی بیندازید تا توجه پدرتان معطوف شما گردد. ^۱ گاهی نیز تأثیر بر نگرش را مورد تصریح قرار می‌دهد، می‌فرماید: «چون موجی کوه آسا آنان را فرا بگیرد، خدا را می‌خوانند و اعتقاد خود را بر او خالص می‌گردانند، ولی چون نجاتشان دهد و به خشکی رساند فقط بعضی از آنها راه اعتدال پیش می‌گیرند». ^۲ هرگاه به انسان ضرر و مصیبتی وارد آید به درگاه خدا توبه و انابه می‌کند و چون نعمت ثروت به او عطا کند همان خدایی را که قبلاً می‌خواند فراموش می‌کند. ^۳

از دیگر شیوه‌های تکوین یا تشدید نگرش عبارت است از دعا در دعاهای رسیده از معصومین (ع) آموزش داده شده که چه بخواهیم. در دعاهای ما شناخت می‌دهند، استدلال می‌آموزند، مناجات و دلال و بروریزی عاطفی را فراروی ما می‌کشایند. نگرش‌های ایمانی را تلقین و تکرار می‌کنند و به ما می‌آموزند که چه چیزی باید ارزش مسلط بر زندگی ما باشد تا به دنبال آن برویم، و چه خطرهای و کمین‌گاه‌هایی برای ما وجود دارد تا از آنها اجتناب کنیم. به ما می‌آموزند که زندگی کردن و مردن را چگونه تجربه کنیم و همه اینها راهی است به سوی تکوین یا تشدید یا تغییر نگرش‌ها، صبر توصیه می‌شود. ^۴ تذکر و توجه دائمی را تأکید می‌کنند ^۵ که در اصطلاحات روانشناسی با تعبیر خودگویی یا تلقین به خود از آن یاد می‌شود. بر این اساس، فرد گاهی با خود خلوت می‌کند و به موضوع نگرش می‌پردازد. ^۶

خداوند برای تثبیت و تشدید نگرش ایمانی مؤمنان، گاهی قدرت خود را به رخ می‌کشد که آیازمین را گهواره نگردانندیم؟ و کوه‌ها را چون میخ‌هایی نگذاشته‌ایم؟ و شما را جفت آفریدیم و خواب شما را مایه آسایش قرار دادیم و شب را برای شما پوششی قرار دادیم و روز را

برای معاش نهادیم و بر فراز شما هفت آسمان استوار گردانیدیم ^۷ و در جای دیگر می‌فرماید: «آیا آفرینش شما دشوارتر است یا آسمانی که او آن را برپا کرده است؟ سقفش را برافراشت و آن را به اندازه‌معین آشکار گردانید و شبش را تیره و روزش را آشکار گردانید». ^۸

وضعیت اقتصادی نیز تأثیر و تأثر متقابل با نگرش افراد دارد. اصولاً هر گاه انسان غافل باشد بهبود وضع اقتصادی و امور مادی باعث طغیان و سرکشی او می‌شود. خداوند مثال می‌زند به شهرهایی که زندگی خوش آنها را سرمست کرده بود و مورد هلاکت واقع شدند ^۹ و تصریح می‌کند که هر گاه انسان خود را بی‌نیاز ببیند، راه طغیان پیش می‌گیرد. ^{۱۰} هنگامی که به انسان نعمت می‌بخشیم (از حق) روی می‌گرداند و متکبرانه دور می‌شود هنگامی که کمترین بدی به او می‌رسد (از همه چیز) مأیوس می‌شود. ^{۱۱}

نگرش و رفتار

آیا این دو رابطه دارند؟ آیا رابطه دو طرفه است؟ نگرش بر رفتار و رفتار بر نگرش مؤثر است؟ رابطه آنها علی است؟ چه وقت، چگونه، و تحت چه شرایطی، هر کدام بر دیگری اثر می‌گذارد؟ ساز و کارهای اثر گذاری کدام

۱. ... قالوا لیوسف و اخوه احب الی ابینا منا و نحن عصبه ... (یوسف ۸۹)
۲. ... و اذا غشیهم موج کالظلل دعوا الله مخلصین له الذین، فلما نجیهم الی البر فمئهم مقصد ... (لقمان ۳۲).
۳. و اذا مس الانسان ضر دعاربه منیباً الیه ثم اذا خوله نعمه منه نسی ما کان یدعوا الیه ... (زمر ۸)، (شوری ۲۸).
۴. و اصبر علی ما یقولون و اهجرهم هجرأ جمیلاً (مزل ۱۰) و اصبر لحکم ربک ... (انسان ۲۴)
۵. و اذکر اسم ربک بکرة و اصیلاً ... (انسان ۲۵)
۶. ... و من اللیل فاسجد له و سبحه لیلاً طویلاً ... (انسان ۲۶).
۷. الم نجعل الارض مهاداً و الجبال اوتاداً و خلقناکم ازواجاً و جعلنا نومکم سباتاً ... (نساء ۱۶ - ۶).
۸. ءأتتم اشد خلقاً ام السماء بناها رفع سمکها فسواها ... (نازعات ۲۸ - ۲۷)
۹. ... و کم اهلکنا من قرية بطرت معیشتها ... (قصص ۵۸)
۱۰. ان الانسان لبطغی ان رآه استغنی ... (علق ۶)
۱۱. و اذا انعمنا علی الانسان اعرض و تاجانبه و اذا مسه الشر کان یوسأ (اسراء ۸۳)

۱۲۳

جایگاه مفهوم «ایمان» در ...

شماره ۱۶ و ۱۷

است؟ کیفیت این رابطه چگونه تعیین می‌شود؟ اینها مباحثی است که به آنها خواهیم پرداخت.

فرض کنیم به انجام نرمش صبحگاهی همراه با بعضی دوستان در نزدیکترین بوستان شهر، نگرشی کاملاً موافق داریم، اگر به ما چنین پیشنهادی بشود می‌پذیریم و در انجام آن می‌کوشیم، ولی چنانچه چند روز مرتب رفتیم و حضور دوستان چندان منظم نبود نگرش ما نسبت به این موضوع خاص، قدری ضعیف می‌شود. چنانچه پس از مدتی، تجربه کردیم که زمان زیادی صرف امور جانبی همچون تغییر لباس و تردد و... می‌شود، نگرش ما باز هم ضعیف‌تر می‌شود. اگر مسیری که هر روز با اتومبیل طی می‌کردیم توسط مقررات تردد شهری تغییر کند و طولانی‌تر شود، نگرش ما باز هم ضعیف‌تر و ضعیف‌تر خواهد شد. به طوری که ممکن است به دوستان اعلام انصراف کنیم، اگر مدتی بعد، دوباره به ما چنین پیشنهادی شود یا فوراً جواب منفی می‌دهیم و یا با تأمل پاسخ می‌دهیم. این نتیجه نگرش جدیدی است که ما نسبت به نرمش در آن مکان خاص، پیدا کرده‌ایم. هر کدام از ما ممکن است تجربیات متعددی از این قبیل داشته باشیم. اکنون تردیدی نیست که نگرش بر رفتار و گاهی رفتار بر نگرش اثر می‌گذارد. قبل از دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ اینها واضح نبود. از آن پس به تدریج معلوم شد و اکنون روانشناسان اجتماعی معتقدند به جای اینکه بپرسیم آیا رفتار بر نگرش اثر می‌گذارد یا نه، باید بپرسیم نگرش در چه زمان و چگونه بر رفتار اثر می‌گذارد (به نقل از بارون و بایرن ۱۹۹۷). همان‌طور که در ابتدای این فصل آمده یکی از سه مؤلفه نگرش، مؤلفه رفتاری است. منظور از مؤلفه رفتاری تحقق خارجی رفتار نیست، بلکه آمادگی ذهنی برای انجام یک رفتار است، به همین جهت از «کی» و «چگونه» صحبت می‌شود.

با این توصیف آیا رابطه نگرش - رفتار، یک رابطه علی قطعی است؟ آیا هر نگرش قطعاً به رفتار منجر خواهد شد؟ آیا ممکن است بعضی نگرش‌های ما هرگز به

رفتار منجر نشوند؟ پاسخ این است که اگر چه از یک سو، هیچ رفتاری بدون پایه‌های شناختی و عاطفی محقق نمی‌شود و ما در اکثر موارد نسبت به آن پایه‌ها هشیار و در بعضی موارد ناهشیار هستیم، ولی از سوی دیگر چنین نیست که هر نگرشی حتماً به رفتار منجر شود.

در دهه ۱۹۳۰ که بیشتر توجهات به مسائل اقتصادی معطوف بود لاپیر^۱ به رابطه نگرش - رفتار توجه کرد. در آن زمان اکثر روانشناسان اجتماعی، این رابطه را به صورت تمایل یا پیش موضعی برای رفتار دانسته و منجر شدن نگرش به رفتار را مسلم می‌پنداشتند، اما لاپیر آن را مسلم نپنداشت. او می‌خواست بداند آیا افراد، پیشنهادی‌ها و نگرش‌های منفی خود نسبت به گروه‌های مختلف اجتماعی را همیشه حفظ می‌کنند یا خیر، لذا با یک زوج جوان چینی به ۱۴۸ غذاخوری و ۶۶ مهمانسرا در سرتاسر ایالات متحده سفر کرد و در عمل مشاهده کرد که آن زوج در همه جا از پذیرایی متوسط به بالا برخوردار بودند. فقط در یک مورد از ارائه خدمات به آنها امتناع شد. او پس از اتمام سفر، به صاحبان مهمانسراها و غذاخوری‌ها نامه نوشت و راجع به کیفیت پذیرایی از مشتریان چینی سؤال کرد و ۹۱ درصد از صاحبان مهمانسراها، و ۹۲ درصد از صاحبان غذاخوری‌ها، در باب پذیرایی از مشتریان چینی، نگرش منفی اعلام کردند و گفتند پذیرایی نمی‌کنند. می‌بینیم که بین نگرش ابراز شده و عملکرد روزانه خیلی تفاوت هست. بقیه غذاخوری‌ها که لاپیر به آنها نرفته بود نیز نگرشی همگون با بقیه داشتند.

چگونگی تأثیر نگرش‌ها بر رفتار: روانشناسان علاوه بر «چه وقت» و «چرا» به «چگونه» نیز می‌پردازند. تحقیقات در این باب به این نتیجه رسیده که دو ساز و کار برای اثر گذاری نگرش بر رفتار وجود دارد.

1. Lapiere. R.

ساز و کار اول عبارت است از: «نگرش - تفکر مستدل - رفتار». این ساز و کار زمانی به کار می‌افتد که تفکر عمیق و دقیقی در باب نگرش‌هایمان داریم و کاربرد آن در رفتار را مورد سنجش قرار می‌دهیم. مثلاً آجزن^۱ و دیگران (۱۹۸۷) معتقدند بهترین پیش‌بینی‌کننده چگونگی رفتار ما در یک موقعیت معین، نیرومندی قصد ما در آن موقعیت خاص است. فرض کنیم به جذابیت بدنی اهمیت می‌دهیم، ولی بینی ما جذاب نیست و احتیاج به جراحی دارد، پذیرش جراحی یا عدم آن وابسته به قصد ماست و قصد نیز به طور قوی تحت تأثیر سه عامل کلیدی دیگر است: الف) نگرش ما به آن رفتار خاص، اگر ما در مقابل درد و نیش سوزن کم تحمل باشیم قصد ما ضعیف خواهد بود. ب) ارزیابی دیگران از آن رفتار (هنجارهای ذهنی)^۲، اگر تصور کنیم دیگران جذابیت بدنی را خیلی مهم می‌دانند، قصد ما قوی‌تر خواهد شد. ج) سخت یا آسان پنداشتن رفتار، اگر آن را خیلی سخت بپنداریم تصمیم ضعیف‌تری خواهیم داشت. این سه عامل روی قصد، و قصد روی رفتار اثر دارند.

ساز و کار دوم عبارت است از «نگرش - رفتار بی‌تأمل». ساز و کار اول متناسب با مواردی است که فرصت کافی داریم، اما آنجا که باید فوراً تصمیم بگیریم و عمل کنیم، بر اساس الگوی نگرش - رفتار بی‌تأمل که منسوب به فازیو است عمل می‌کنیم. مثلاً اگر در خیابان بین ما و فردی دیگر نزاع درگیرد و او به ما حمله کند، فرصت فکر کردن و تصمیم مستدل گرفتن نداریم، باید سریع بر اساس نگرش‌هایی که داریم تصمیم بگیریم و عمل کنیم. آن موقعیت خاص، نگرش ما در باب آن موضوع را برمی‌انگیزد و فوراً بر اساس آن نگرش عمل می‌کنیم. نگرش ما و اطلاعات حاصل آمده از موقعیت بیرونی باعث شکل‌گیری شناخت ما از موقعیت می‌شوند و آن شناخت باعث بروز رفتار مناسب ما می‌شود.

رابطه نگرش ایمانی با رفتار: هر رفتار، ناشی از یک یا

چند نگرش است. رابطه نگرش - رفتار، در قصص و جریانات قرآنی نیز به خوبی قابل مشاهده است. ما بیشتر به نگرش ایمانی و رابطه‌اش با رفتار مؤمنان می‌پردازیم. نگرش ایمانی هم به طور مستقیم و هم به طور غیرمستقیم^۳ از طریق حالات روانشناختی فرد، بر رفتارش مؤثر واقع می‌شود.

تمام تکالیف رفتاری مثل نماز، روزه، صدقات، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و... از نوع اول است. فرد چون مؤمن است آن رفتار را آن طور که در متون دینی‌اش آمده عمل می‌کند. آنان که نگرش متفاوت دارند به گونه‌ای دیگر عمل می‌کنند. برادران حضرت یوسف (ع) با این نگرش که لازم است او را از دید پدر دور کنند، او را در چاه می‌اندازند و از طرف دیگر او با این نگرش که خدا ناظر است و به او توجه دارد، دامن از گناه برمی‌گیرد^۴ و زندان را ترجیح می‌دهد^۵ و با این نگرش که خداوند او را برگزیده است،^۶ در چاه افتادن و فروخته شدن و زندان رفتن را تحمل می‌کند. حضرت یعقوب (ع) چون به فرزندانش نگرش منفی دارد. در فرستادن برادران کوچکترشان (یوسف و بنیامین) با آنها تردید می‌کند.^۷ ابلیس با این نگرش که از آتش آفریده شده و بر آدم خاکی برتری دارد، از سجده بر آدم سرباز می‌زند.^۸ بر اساس یک احتمال^۹ در معنای شاکله در آیه

1. Ajzen. et al 1987.

2. Subjective Norms.

۳. مثلاً فردی برای مدرسه سازی پول می‌دهد، چرا؟ چون بخشنده است.

چرا بخشنده است؟ این حالت روانشناختی، از ایمانش ناشی شده است.

۴. قال معاذ الله انه ربی احسن مئوی... (یوسف ۲۳)

۵. ... قال رب السجن احب الی مما یدعوننی الیه... (یوسف ۳۴)

۶. وکذلک یجتبیک ربک و یعلمک من تأویل الاحادیث... (یوسف ۶)

۷. قال یا بنی لا نقصص رؤیاک علی اخوتک فیکیدوا لک کیداً... (یوسف ۵)،

(یوسف ۶۴)، (یوسف ۱۱)

۸. قال انا خیر منه، خلقتنی من نار و خلقته من طین... (اعراف ۱۲)، (حجر

۳۳ - ۲۹)

۹. بر اساس این احتمال، شاکله امری است اکتسابی نه ذاتی و فطری (ر.

ک. تفسیر نمونه ج ۱۲، ص ۲۴۶)

شریفه «قل کل یعمل علی شاکلته»^۱، شاکله قابل انطباق با مجموعه نگرش‌های فرد است و در این صورت تصریحی است بر اینکه نگرش‌ها حاکم بر رفتار هستند. یکی از حالات روانشناختی که تحت تأثیر نگرش و مؤثر بر رفتار است، عبارت است از آرامش روانی.^۲ زندگی دنیوی برای مؤمنان اصالت ندارد و مرگ پایان زندگی نیست. ترسان و محزون نیستند،^۳ تکیه گاهشان خدا است،^۴ آنقدر اعتماد به نفس و اطمینان خاطر پیدامی‌کنند که ۲۰ نفر آنها بر ۲۰۰ نفر دشمن و ۱۰۰ نفر آنها بر ۱۰۰۰ نفر دشمن غلبه می‌کنند.^۵

نگرش‌ها بر یکدیگر نیز اثر می‌گذارند، بعضی در طول و بعضی در عرض یکدیگرند. آنها که در عرض هم هستند بعضی سازگار و بعضی غیرقابل جمع‌اند. به طور مثال، نگرش‌های مؤمنانه و کافرانه قابل جمع نیستند، نفی یکدیگر می‌کنند. بر این اساس، مؤمنان و کافران معمولاً در نزاعند.^۶ نگرش‌های طولی، یکی از دیگری ناشی می‌شود، به طور مثال، کسی که چنین نگرشی دارد که «از هوای نفس باید پیروی کرد»، راه ورود بعضی نگرش‌های دیگر را می‌بندد، بر چشم و گوش خود پرده و مهر می‌زند.^۷ اگر ما نگرش ایمانی داشته باشیم، نگرش‌های ما نسبت به معنی و هدف زندگی و امکانات روانشناختی خودمان متأثر از آن نگرش و به نوبه خود مؤثر بر نگرش‌های بعدی ما در باب شغل، ازدواج، تحصیل، و... خواهد بود و در سطوح پائین‌تر نگرش‌های ما را نسبت به محل زندگی، الگوی زندگی، محرومیت‌ها و برخورداریه‌ها و... تحت حاکمیت خود گرفته و در نهایت همه رفتارهای فردی و اجتماعی و مناسبات بین فردی و گروهی و... را تعیین می‌کند. این تأثیر و تأثرات مشبک را می‌توان در قالب یک نمودار به نمایش گذاشت.^۸

تغییر نگرش‌ها

تقریباً هر روزه بسیاری از نگرش‌های ما در معرض تغییر

قرار می‌گیرند، رادیو تلویزیون، مطبوعات، متون درسی، دوستان و آشنایان، مردم کوچه و بازار و... هر کدام به نوعی سعی در تغییر نگرش‌های ما دارند. ما نیز به نوبه خود گاهی در صدد تغییر نگرش‌های دیگران برمی‌آئیم. این تلاش‌ها گاهی موفق و گاهی ناموفق است. در اینجا مباحث مربوط به تغییر نگرش را در دو بخش عمده مطرح می‌کنیم. تغییر نگرش‌های دیگران (متقاعد سازی) و تغییر نگرش‌های خود (ناهماهنگی شناختی و توجیه).

تغییر نگرش‌های دیگران (متقاعد سازی): پیام‌های بازرگانی، سخنرانی‌های سیاسی، انواع و اقسام نوشتارهای اجتماعی و فرهنگی و... به طور مرتب بر ما می‌بارند، هر روز شیوه‌ای جدید می‌آفرینند، ولی ما چقدر پاسخ مثبت به آنها می‌دهیم؟ بسیار اندک، اگر در برابر هر پیامی، حتی اندکی تغییر نگرش بدهیم، به زودی گرفتار مشکلات فراوان می‌شویم. و در سطحی وسیع‌تر، دیدگاه‌های ما و به تبع آن اکثر رفتارها و برنامه ریزی‌های ما دستخوش تغییر خواهند شد. ما فقط به بعضی پیام‌ها پاسخ داده و اندک تغییری در نگرش‌هایمان ایجاد می‌کنیم. از سوی دیگر می‌بینیم این پیام‌ها روز به روز استمرار یافته و زیادتر می‌شوند و این نشانگر موفقیت نسبی آنها است. روانشناسان اجتماعی، متقاعد سازی را در قالب دو روی

۱. اسراء ۸۴

۲. ... هو الذی انزل السکینه فی قلوب المؤمنین ... (فتح ۴ و ۱۸)

۳. الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون ... (یونس ۶۳ و ۶۴)، (انعام ۴۸)

۴. یا قوم ان کنتم آمنتم بالله، فعلیه توکلوا ... (یونس ۸۴) (انفال ۳)

۵. ان یکن منکم عشرون صابرون یغلبوا ماتین و ان یکن منکم مائة یغلبوا الفأ من الذین کفروا ... (انفال ۶۵ - ۶۴)

۶. یا ایها النبی اتق الله و لا تطع الکافرین و المنافقین ... (احزاب ۱). یا ایها النبی جاهد الکفار و المنافقین و اغلظ علیهم (توبه ۷۳) و (تحریم ۹).

۷. افرأیت من اتخذ الیه هواه ... و ختم علی سمعه و قلبه و جعل علی بصره غشاوة ... (جاثیه ۲۳).

۸. ر.ک. کاویانی، محمد، آثار روانی - اجتماعی خدا باوری، مجله حوزه و دانشگاه، ش ۱۳

آورد مهم سنتی و شناختی بررسی می‌کنند که به علت رعایت اختصار به آنها نمی‌پردازیم.

شیوه‌های تغییر نگرش در فرهنگ قرآنی: به طور مثال، کفر و ایمان در مقابل یکدیگرند، مؤمنان و کافران هر کدام در پی متقاعد سازی دیگری است و در این مسیر از شیوه‌های مختلف بهره می‌گیرند.

گاهی از استدلال استفاده می‌کنند. حضرت ابراهیم(ع) با قوم خود محاجه می‌کند، بت‌های آنها را می‌شکند، می‌پرسند تو شکستی؟ می‌گوید آن بت بزرگ آنها را شکسته است، اگر اینان توان سخن گفتن دارند از خودش پرسید، آنها با مراجعه به خودشان، سرافکنده می‌شوند و می‌گویند تو خود میدانی که اینان سخن نمی‌گویند. آنگاه ابراهیم از موقعیت استفاده کرده استدلال می‌کند که آیا چیزی را می‌پرستید که هیچ قدرت نفع و ضروری برای شما ندارد؟! در جای دیگر در مقام محاجه با پادشاه زمان خود می‌گوید خدای من زنده می‌کند و می‌میراند، آن پادشاه می‌گوید من هم زنده می‌کنم و می‌میرانم. ابراهیم(ع) پاسخ می‌دهد که خدای من خورشید را از شرق برمی‌آورد، اگر تو می‌توانی آن را از مغرب به‌درآور، آنگاه آن کافر در بهت و حیرت می‌ماند.^۲ خداوند نیز برای اثبات توحید استدلال می‌کند که اگر جز الله، معبود دیگری در آسمان و زمین وجود می‌داشت نظام آنها به فساد می‌گرایید.^۳ از این گونه استدلالها در قرآن بسیار است.

گاهی برای تغییر نگرش از تنبیه و پاداش یا تهدید و تطمیع استفاده می‌شود. البته پاداش و تطمیع بیشتر است از تنبیه و تهدید، به طور مثال، هر که بدی کند جز به مانند آن کیفر نمی‌یابد، ولی هر مؤمنی که کار شایسته انجام دهد (زن یا مرد)، داخل بهشت می‌شود و روزی بی‌حساب می‌یابد.^۴ کار بد به اندازه خود و کار خوب ۱۰ برابر پاسخ داده می‌شود.^۵ هیچ کس بارگناه دیگری را به دوش نمی‌گیرد.^۶ به تمامی مکلفان اتمام حجت می‌کند که آیا از میان خودتان فرستادگانی نیامدند که آیات مرا برایتان

بخوانند؟ ... هر چه مقدور شما است انجام دهید من هم انجام خواهم داد، به زودی خواهید دانست که فرجام‌نیکوی آن سرا از آن کیست^۷ در جای دیگر وضعیت کافران و مؤمنان در سرای بعدی را توصیف می‌کند تا مؤمنان تقویت و کافران متنبه شوند. برای کافران جامه‌هایی از آتش مهیا شده، ولی مؤمنان که کار شایسته انجام داده‌اند در باغ‌هایی با درختان و نه‌های جاری، وارد می‌شوند و دستبند طلا و مروارید بر دست و لباس حریر بر تن دارند.^۸

از دیگر شیوه‌هایی که برای تغییر نگرش کافران به کار گرفته می‌شود، ارجاع به احوال گذشته‌گان است. مثلاً می‌گوید: «آیا در زمین نگشته‌اند تا ببینند فرجام کسانی که قبل از آنان بوده‌اند چگونه بوده است؟»^۹

گاهی خداوند برای ایجاد یا تشدید نگرش ایمانی بندگان، قدرت نمائی می‌کند، فرعون به حضرت موسی(ع) گفت: «اگر نشانه‌ای داری بیاور - عصای را افکند، ناگاه ازدهایی آشکار شد، دست خود را از گریبان به‌در آورد، ناگهان برای تماشاگران سپید و درخشانده بود»^{۱۰} ساحران آمدند و دیدگاه مردم را افسون کردند و

۱. قالوا انت فعلت هذا یا لهتنا یا ابراهیم؟ قال بل فعله کبیرهم هذا ... (انبیاء ۶۷ - ۶۲)

۲. ... الم تر الی الذی حاج ابراهیم فی ربه ... اذ قال ابراهیم ربی الذی یتحیی و یمیت قال انا همی و امیت ... (بقره ۲۵۸)

۳. ... لوکان بیها آلهة الا الله لفسدتا ... (انبیاء ۲۲)

۴. من عمل سیئة فلا یتجرى الا مثلها و من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مؤمن فاولئک یدخلون الجنة و یرزقون بغير حساب ... (مؤمن ۴۰)

۵. من ماء بالحسنة فله عشر امثالها و من جاء بالسیئة فلا یتجرى الا مثلها ... (انعام ۱۶۰)

۶. ولاتزر وزارة و زرا اخری (انعام ۱۶۴)

۷. یا معشر الجن و الانس الم یأتکم رسل منکم یقصون علیکم آیاتی ... اعملوا علی مکانکم انی عامل ... (انعام ۱۳۵ - ۱۳۰)

۸. فالذین کفروا تطعت لهم ثیاب من نار یصب من فوق رؤسهم الحمیم ... (حج ۳۳ - ۱۹)

۹. افلم یتسبوا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبة الذین من قبلهم ... (مومن، ۸۲)، (روم، ۹).

۱۰. ... فالقی عصاه فاذا هی ثعبان مبین و نزع یده فاذا هی بیضاء للناظرین ...

آنها را ترساندند، آنگاه موسی به دستور خدا عصایش را انداخت، اژدهایی شد و همه آنچه را که ساحران ساخته بودند بلعید و حقیقت آشکار شد و ساحران به سجده افتادند و ایمان آوردند.^۱ فردی از شهری ویران عبور می‌کند که بامهایش یکسر فرو ریخته است، از خود می‌پرسد چگونه خداوند اهل این ویرانکده را پس از مرگشان زنده می‌کند؟ آنگاه خداوند او را به مدت صد سال می‌میراند و سپس زنده می‌کند و زنده شدن الاغش را به او نشان می‌دهد تا پاسخی باشد هم برای خودش و هم برای دیگران.^۲

گاهی نیز شیوه‌هایی مورد استفاده واقع شده که مورد تأیید قرآن نیست. مثلاً برادران یوسف (ع) برای تغییر نگرش پدر و به همراه بردن یوسف، به دروغ، گفتند ما از او محافظت می‌کنیم در حالی که چنین قصدی نداشتند.^۳ در زمان حضرت رسول (ص) گروهی از اهل کتاب نقشه کشیدند تا در ابتدای روز، ایمان بیاورند و در انتهای روز برگردند.^۴ تا بدین طریق به دیگران بگویند ما رفتیم و چیز ارزشمندی نبود، لذا برگشتیم.

در باب مباحث جانبی تغییر نگرش نیز مطالبی قابل استفاده است. به عنوان مثال، مؤمنان برای تغییر نگرش دیگران، نباید از آنان انتظار مزد داشته باشد، بلکه فقط از خدا مزد بخواهند.^۵ در هنگام تغییر نگرش دیگران باید به وجوه متعدد مثبت و منفی موضوع توجه شود، همان طور که حضرت ابراهیم (ع) در ابتدا ستاره و بعد ماه و بعد خورشید را برای پرستش انتخاب کرد و در نهایت پس از ابطال همه آنها، به پرستش خدای یگانه تصریح کرد.^۶

برای حفظ نگرش و مقاومت در مقابل تغییر، علاوه بر تمام شیوه‌هایی که تاکنون ذکر شده است، از شیوه‌های دیگری نیز استفاده شده است. از جمله صبر کردن بر آنچه دیگران می‌گویند و دوری گزیدن از آنان،^۷ یا مخفی کردن نگرش همچنان که حضرت یعقوب به حضرت یوسف سفارش می‌کند که رؤیای خود و نگرش حاصل از آن را برای برادرانش نقل نکند چون آنان

خدعه خواهند کرد.^۸

خداوند گاهی بر آنچه انسانها قبول دارند تأکید می‌کند و به واسطه آنچه که نمی‌پذیرند برایشان ناهماهنگی شناختی ایجاد می‌کند. مثلاً با آنان که معاد و بعثت درباره انسان را انکار می‌کنند می‌فرماید: «اگر تردید دارید پس بدانید که شما را از خاک و نطفه و علقه و مضغه و ... آفریدیم»؛^۹ یعنی انسانها اگر این را می‌پذیرند، باید بعثت دوباره را نیز بپذیرند تا گرفتار ناهماهنگی شناختی نشوند. برای حل ناهماهنگی شناختی، نیز راه‌های متعددی مورد استفاده واقع شده است. گاهی افراد توبه می‌کنند و رفتاری را که با نگرش آنها مخالف بوده و انجام داده‌اند، خطا می‌شمارند و با خود عهد می‌کنند که دیگر آن را انجام ندهند.^{۱۰} و بدین وسیله به آرامش می‌رسند. گاهی صحت و ارزشمندی نگرش را که خلاف آن عمل کرده‌اند انکار می‌کنند، به طور مثال، کافران در باب نگرش ایمانی می‌گویند، اگر چیز خوبی بود ما نمی‌گذاشتیم دیگران در آن جهت از ما پیشی بگیرند.^{۱۱} گاهی به خاطر اینکه به طور مکرر آن نگرش را زیر پا گذاشته و خلاف

(اعراف ۱۰۸ و ۱۰۷)

۱. ... قال القوا فلما القوا سحروا اعین الناس و استرهبوهم و جاءوا بسحرةظیم... (اعراف، ۱۲۱ - ۱۱۴)

۲. ... او کالذی مر علی قریة و هی خاویة علی عروشها قال انی یحیی هذه الله بعد موتها... (بقره ۲۵۹)

۳. قالوا یا ابانا مالک لا تأمنا علی یوسف... وانا له لحافظون... (یوسف، ۱۲)

۴. ... وقالت طائفة من اهل الكتاب آمنوا بالذی انزل علی الذین آمنوا و جه النهار و اکفروا (آل عمران، ۷۲)

۵. ... یا قوم لا استلکم علیه اجراً ان اجری الا علی الذی فطرنی (هود، ۵۱) (انعام، ۹۰) (فرقان، ۵۷)

۶. فلما جن علیه اللیل را کوبأ، قال هذا ربی... (انعام ۷۹ - ۷۶)

۷. ... و اصبر علی ما یقولون و اهجرهم هجرأ جمیلاً... (مزمّل ۱۰)

۸. ... قال یا بنی لا تقصص رؤیاک علی اخوتک فیکیدوا لک کیداً (یوسف ۵)

۹. یا ایها الناس ان کنتم فی ریب فانا خلقناکم من تراب ثم من نطفة ثم من علقة... (حج ۵)

۱۰. یا ایها الذین آمنوا توبوا الی الله توبة نصوحاً عسی ربکم ان یکفر عنکم سیئاتکم (تحریم ۸)

۱۱. و قال الذین کفروا للذین آمنوا، لو کان خیراً ما سبقونا الیه. (احقاف ۱۱)

آن عمل کرده‌اند، احساس بازگشت ندارند، لذا نه تنها آن نگرش را ارزشمند نمی‌دانند، بلکه گاهی آن را به سخریه و استهزاء نیز می‌گیرند،^۱ و این در واقع نمونه‌ای است از تأثیر رفتار بر نگرش.

- قرآن مجید.
- نهج البلاغه.
- بحارالانوار.
- حکیمی، محمدرضا و دیگران، الحیاة.
- منصور و دادستان، دیدگاه پیاژه، ۱۳۷۴.
- آلبرت، ترجمه منشی طوسی، روانشناسی اجتماعی از آغاز تا کنون.
- فیض کاشانی، مولا محسن، محجة البیضاء.
- یونگ، روانشناسی و دین.
- فروم، اریک، روانکاوی و دین.
- نجاتی، عثمان، قرآن روانشناسی.
- بستانی، اسلام و روانشناسی.
- Barah & byrne, *Social Psychology*, 1997.
- Sears etal. *Social Psychology*, 1991.
- Robert etal. *Social Psychology*, 1988.
- Wulff, *Psychology of Religion*, 1991.
- Lambert etal. *Social Psychology*.

۱. ثم کان عاقبة الذین اساء والسوای ان کذبوا بآیات الله وکانوا بها یستهزئون... (روم ۱۰).